



من مایلم این جا یادی از «محمد جهان آرا» شهید عزیز خرمشهر و شهدایی که در خرمشهر مظلوم آن طور مقاومت کردند بکنم. آن روزها بنده در اهواز از نزدیک شاهد قضایا بودم. خرمشهر در واقع هیچ نیروی مسلحی نداشت؛ نه که صدویست هزار نداشت بلکه ده هزار، پنج هزار هم نداشت. چند تانک تعمیری از کار افتاده را مرحوم شهید «اقارب‌پرست» - که افسر ارتشی بسیار متعهدی بود - از خسروآباد به خرمشهر آورده بود، تعمیر کرد. (البته این مال بعد است. در قسمت اصلی خرمشهر که نیرویی نبود). محمد جهان آرا و دیگر جوانان ما در مقابل نیروهای مهاجم عراقی - یک لشکر مجهز زرهی عراقی با یک تیپ نیروی مخصوص و با نود قبضه توپ که شب و روز روی خرمشهر می‌بارید - سی و پنج روز مقاومت کردند. همان طور که روی بغداد موشک می‌زدند، خمپاره‌ها و توپ‌های سنگین در خرمشهر روی خانه‌های مردم مرتب می‌باریدند. با این حال جوانان ما سی و پنج روز مقاومت کردند؛ اما بغداد سه روزه تسلیم شد! ملت ایران! به این جوانان و رزمندگان افتخار کنید. بعد هم که می‌خواستند خرمشهر را تحویل بگیرند، دوباره سپاه و ارتش و بسیج با نیرویی به مراتب کمتر از نیروی عراقی رفتند خرمشهر را محاصره کردند و حدود پانزده هزار اسیر در یکی دو روز از عراقی‌ها گرفتند. جنگ تحمیلی هشت ساله ما، داستان عبرت‌آموز عجیبی است. من نمی‌دانم چرا بعضی‌ها در ارائه مسائل افتخارآمیز دوران جنگ تحمیلی کوتاهی می‌کنند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران
۱۳۸۲/۱/۲۲

